

تحلیل ساختاری و زیبایی‌شناسی اشعار توصیفی فروغ فرخزاد

چکیده

فروغ فرخزاد از برجسته‌ترین سرایندگان اشعار زنانه در تاریخ ادبی معاصر ایران محسوب می‌شود. اشعار وی در قالب دیدگاهی انتقادی خودنمایی می‌کند. این اشعار علاوه بر داشتن زبانی ساده و صمیمی، بی‌پرده‌ترین و هنری‌ترین تصاویر زنانگی زندگی وی را به تماشا گذاشته است. در این پژوهش ساختار زبانی این تصاویر در اشعار وی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. لذا جامعه آماری آن، تمام اشعار فروغ خواهد بود و حجم نمونه براساس روش نمونه‌گیری سیستماتیک انتخاب شده است و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، گونه‌های مختلف توازن در سطوح آوایی، واژگانی و نحوی بررسی می‌شود تا چگونگی استفاده وی از شگردهای قاعده‌فزایی آشکار شود. در بخش نخست در توازن آوایی، توازن واجی و توازن هجایی بررسی می‌شود. سپس در توازن واژگانی انواع تکرار در سه سطح واژه، گروه و جمله تحلیل شده و در بخش پایانی توازن نحوی با دو زیربخش همنشین‌سازی نقشی و جانشین‌سازی نقشی توصیف می‌شوند. در بررسی‌های انجام شده، نتیجه بیانگر آن است که فروغ فرخزاد از بین شگردهای آوایی، بیشتر به توازن آوایی و واژگانی توجه داشته که علاوه بر بازتاب هنری و خلاقیت وی در کاربرد این توازن‌ها- به‌ویژه توازن آوایی و نغمه حروف- توانسته مفاهیم شعری خود را بسیار هنرمندانه همراه با صمیمیت به مخاطبان القا نکند و بر موسیقی و برجستگی کلامش بیفزاید

اهداف پژوهش:

۱. تحلیل ساختاری و زیبایی‌شناسی توصیفی در اشعار فروغ فرخزاد.
۲. بررسی توازن آوایی، توازن واجی و توازن هجایی در اشعار فروغ فرخزاد.

سؤالات پژوهش:

۱. ساختار و زیبایی‌شناسی در اشعار فروغ فرخزاد چگونه است؟
۲. توازن آوایی، توازن واجی و توازن هجایی در اشعار فروغ فرخزاد چگونه است؟

کلیدواژه‌ها: موسیقی شعر، قاعده‌افزایی، توازن آوایی، توازن واژگانی، فروغ فرخزاد.

مقدمه

ذهن شاعر قابلیت آن را دارد که تحت تأثیر شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، باورها و عقاید و حتی اقتصاد، در هر بازه زمانی، معانی جدیدی را کشف کند. بنابراین به ابزاری نیاز دارد که القاگر اندیشه و خلاقیت هنری وی باشد و این امر زمانی محقق می‌شود که بنا بر ع دیدگاه شفیعی کدکنی، حادثه‌ای در زبان روی دهد (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۳) البته این حادثه یعنی اعمال قواعدی اضافه بر قواعد حاکم بر زبان هنجار است (صفوی، ۱۳۷۳: ۴۳) و آن را از حالت روزمرگی تا مرتبه ادبی بالا ببرد. از اینجاست که مسئله قاعده‌افزایی فرمالسیت‌ها، دریچه نوینی فراروی همگان گشود و ارکان بنیادی وجوه ادبی شعر را فراهم کرد. این مسئله نخستین بار توسط یاکوبسن مطرح شد و آن را توازن نامید که از طریق تکرارهای کلامی به وقوع می‌پیوست. قاعده‌افزایی را می‌توان در وسیع‌ترین مفهوم خود توازن نامید که از طریق تکرار کلامی به وجود می‌آید (همان: ۱۵۶). این تکرارها که بر برونه زبان استوارند به کلام عادی شعریت می‌بخشند و عامل پدیدآورنده موسیقی در کلی‌ترین مفهوم خود است (همان: ۵۷). بنابراین تکرار از قوی‌ترین عوامل تأثیرگذار است و بهترین وسیله‌ای که عقیده یا فکری را به کسی القا می‌کند (علی‌پور: ۱۳۷۸: ۸۹) و معمولاً در سه سطح آوایی، واژگانی و نحوی قابل بررسی است و با بررسی هر کدام از آن‌ها در ساختار زبانی اشعار شاعران، علاوه بر دستیابی به اندیشه و احساسات آنان، می‌توان به ارزش موسیقایی آن هم پی برد؛ چراکه بین لفظ و موسیقی و معنی ارتباط جدایی‌ناپذیر وجود دارد. بر همین اساس، در این نوشتار به بررسی انواع توازن‌ها در اشعار فروغ فرخزاد پرداخته می‌شود.

تلاش نگارنده بر آن بود، تا بر اساس الگوها و تقسیم‌بندی آنچه کوروش صفوی در کتاب ارزشمند خود «از زبان‌شناسی به ادبیات» بیان کرده، به بررسی اشعار فروغ فرخزاد، بپردازد. لذا با روش توصیفی و تحلیلی، نخست توازن و ساختارهای آوایی در همه سطوح آوایی، واژگانی و دستوری در مجموعه اشعار فروغ فرخزاد سیاه‌برداری و بعد مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و سپس صنایع و آرایه‌های مربوط به هر کدام و نقش آن‌ها در ساختار زبان شناختی اشعار وی ارزیابی گردید. در ضمن چون این تحلیل بر اساس الگوها و قواعد مشخص که صفوی ارائه کرده، بنا شده است به سایر محققین این امکان را می‌دهد تا بر طبق آن به نتایج مشابهی برسند.

ادبیات به‌ویژه شعر، تجلی‌گاه احساسات و عواطف و اندیشه‌های شاعران نه در زمان خودشان، بلکه در هر برهه زمانی است. فروغ هم از این دست شاعران است؛ چراکه ارزش موسیقایی که در ساختار آواها، واژه‌ها و جملات وی نهفته است، خود گویای آن است. به‌ویژه در دو دفتر آخر وی که توانسته جنبه‌های موسیقایی شعرش را با توجه به آشنایی با امکانات زبان فارسی اعتلا ببخشد و بتواند پیوند تنگاتنگی بین ساختار آوایی و ذهنیت و معانی موجود در شعرش برقرار سازد و خودش را به تولدی دوباره نزدیک کند. بنابراین برای رسیدن شناخت اندیشه‌های والای وی در بین ساختارهای زبانی ضرورت دارد. اشعار فروغ از منظر ساختارهای آوایی تجزیه و تحلیل شوند. برای شناخت بهتر ویژگی‌های زبانی فروغ فرخزاد و همچنین بررسی ساختارها و شگردهای زبانی حول محور قاعده‌افزایی در اشعار وی و ارائه میزان

بهره‌مندی وی از ساختارهای آوایی در سه سطح آوایی واژگانی و نحوی ضرورت دارد. اشعار فروغ از این منظر تجزیه و تحلیل شوند.

درباره تحلیل ساختاری و زیبایی‌شناسی اشعار توصیفی فروغ فرخزاد آثاری در قالب کتاب و مقاله به چاپ رسیده است. از جمله: کتاب «فروغ آیه‌های زمینی» که توسط دکتر محمد ریحانی به نگارش درآمده است که در آن بعضی از ویژگی‌های توازن مانند ردیف، ترجیح‌بند، ردالمطلع و تکرار کلمه به‌ویژه در تولدی دیگر و ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد، پرداخته شده است. سید حسین رضویان و کاظم ماجدی در مقاله «بررسی توازن واژگانی در شعر فروغ فرخزاد» اشعار وی را، در سطح واژگانی مورد بررسی قرار داده‌اند. فرامرزی افراسیابی هم در مقاله «تجزیه و تحلیل زبان‌شناسانه اشعار فروغ فرخزاد» به دو نوع تجزیه و تحلیل پرداخته است، یکی در خصوص هنجارگریزی و دیگری میزان عوامل انسجامی. اما در مورد اشعار فروغ تاکنون در سه سطح آوایی، واژگانی و نحوی کار مستقلی صورت نگرفته است.

نتیجه‌گیری

هدف از نگارش این مقاله معرفی فرایندهای آوایی، واژگانی و دستوری در اشعار فروغ فرخزاد بوده است؛ چراکه شالوده شعر وی بر مبنای این توازن‌ها سازمان یافته که علاوه بر بالا بردن ارزش موسیقایی، پیوندی تنگاتنگ بین لفظ و معنی برقرار ساخته است. نخست در بحث توازن آوایی، دو بخش کمی و کیفی مورد بررسی قرار گرفت. در بخش کیفی که همان تکرار آواهاست. در درجه اول فروغ رغبت فراوانی به تکرار همخوان آغازین و تکرار واژه‌ای داشته و بعد از آن تکرار کامل هجایی نمود بیشتری دارد که گاهی تعداد بعضی از آن‌ها در یک شعر از صد و یا حتی دویست مورد تجاوز می‌کند و خواننده را در فهم معانی مدنظر شاعر یاری می‌رساند. در توازن هجایی یا همان اوزان عروضی شاهد تأثیر عوامل بیرونی و قواعد حاکم در نظام اجتماعی در اوزان وی خواهیم بود که وی را به سمت اوزان ثقیل متوسط بحر رمل، مجتث و گاهی هزج سوق می‌دهد؛ چراکه با لحن پر از حسرت و آه وی همخوانی دارد. اما در نوسروده‌هایش با تغییرات در افزونی و کاهش طولی مصرع‌ها، شاهد عدم یکدستی اوزان هستیم و گاهی هم با اوزان سبکی وی در بحر رمل مواجه خواهیم بود که نشانگر درون مضطرب و مغشوش همراه با احساس پوچی است. در توازن واژگانی بیشتر شاهد انواع سجع بوده تا جناس‌ها. جناس در اشعار وی اندک هستند و بیشتر جناس مذیل، وسط و قلب مشهود می‌باشند. تکرار واژه‌ها، از بسامد بالایی برخوردار است به ویژه تکرار پی در پی واژگان، که ریتمی خاص به شعر وی القا کرده است. قافیه و ردیف را که اوج موسیقی شعر فروغ را نشان می‌دهد در سه دفتر اول مراعات شده و در نوسروده‌هایش گهگاهی گریزی به آن‌ها داشته است. ردیف‌های آغازین در کنار ردیف‌های پایانی در شهر وی از نظر موسیقی کناری مؤثراند. در نهایت در مبحث توازن نحوی، فقط اعداد و تنسيق الصفات مشهود است. گاهی صفات در تنسيق الصفات از دو مورد، بیشتر عدول نمی‌کند. در نهایت توازن آوایی و واژگانی در اشعار وی کاربرد فراوانی داشته و در برخی موارد جزو خصیصه‌های سبکی وی محسوب می‌شوند و جوهره و ذات اصلی شعر فروغ را شکل می‌دهند. در واقع تکرار آواها

و واژگان خروش وی در برابر شعار مردانگی «زن را بهر عشرت آفریدند» می‌باشد و فریادهای در گلو شکسته زنان جامعه وی در تکرار واژگان زنانه وی نمایان است.

منابع

- ثمره، یدالله. (۱۳۶۴). آواشناسی زبان فارسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- جرجانی، عبدالقاهر. (۱۳۶۸). دلایل الاعجاز فی القرآن؛ ترجمه سیدمحمد رادمنش، مشهد: آستان قدس رضوی.
- حق‌شناس، علی محمد. (۱۳۷۱). آواشناسی (فنونیک). تهران: آگاه.
- ریحانی، محمد. (۱۳۸۵). فروغ؛ مفسر آیه‌های زمینی، مشهد: آهنگ قلم.
- شاه‌حسینی، ناصرالدین و شریفیان، محمدعلی. (۱۳۹۱). «تحلیل ساختاری اشعار خاقانی شروانی و مسیح کاشانی»، نشریه فنون ادبی، شماره ۲، ۱۸-۱.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۲). صورخیال در شعر فارسی، چ پنجم، تهران: آگه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۸). موسیقی شعر، چ ششم، تهران: آگه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱). نگاهی تازه به بدیع، تهران: فردوس.
- صفوی، کوروش. (۱۳۷۳). از زبان‌شناسی به ادبیات، ج (۱ و ۲)، تهران: چشمه.
- علی‌پور، مصطفی. (۱۳۷۸). ساختار زبان شعر امروز، چ ۱، تهران: فردوس.
- فرخزاد، فروغ: دیوان اشعار. (۱۳۷۴). با مقدمه بهروز جلالی، چ چهارم، تهران: مروارید.
- قویمی، مهوش. (۱۳۸۳). آوا و لقا، تهران: هرمس.
- وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۷۹). بدیع از دیدگاه زیباشناسی، چ ۱، تهران: دوستان.